

درس اول

تاریخچه وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)

وصیت نامه امام خمینی (ره) چشمه حکمتی است که از دل مصفا و الهی آن حضرت جوشیده و بر قلم مبارکش جاری گردیده تا حجتی دیگر بر تبیین سیره علمی آن بزرگوار باشد و ره را پیشاپیش بر همه شبهات و تردیدها و القانات خناسان مسدود کند.

این وصیت نامه در تاریخ ۲۶ بهمن ماه سال ۱۳۶۱ هجری شمسی (مطابق با ۱ جمادای الاولی سال ۱۴۲۰ هجری قمری) توسط حضرت امام خمینی (ره) نگاشته شد و یک نسخه از آن طی پیامی به تاریخ ۱۳۶۲/۴/۲۲ هجری شمسی به صورت لاک و مهر شده نزد خبرگان اولین دوره مجلس خبرگان رهبری به امانت سپردند. امام خمینی در سال های بعد وصیت نامه را مورد بازبینی قرار داده و با انجام تغییراتی در آن، دو نسخه از متن اصلاحی را که بر روی پاکت آنها به خط ایشان نوشته شده است: «متن وصیت نامه سیاسی الهی اینجانب جهت نگهداری در مجلس خبرگان و آستان قدس رضوی» برای تحویل به مراکز مذکور به نمایندگان خویش سپردند. سپس در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۶ به دستور ایشان و با حضور آقایان منتظری (قائم مقام رهبری در آن زمان) حضرت آیه الله خاتمی (رییس جمهوری وقت)، حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست قوه قضائیه، نخست وزیر، اعضای مجلس خبرگان، دبیر شورای نگهبان، نماینده امام در بنیاد شهید، و تنی چند از روحانیون و اعضای دفتر امام جلسه ای در محضر حضرت امام (ره) تشکیل شد، پس از بیانات کوتاه

آن حضرت متن وصیت نامه اصلاح شده در دو نسخه جهت نگهداری در مجلس خبرگان و آستان قدس رضوی به آقایان تحویل داده شد. سپس کلیه دیدار کنندگان به مجلس شورای اسلامی عزیمت کردند و پس از انجام مراحل مهر و موم رسمی وصیت نامه، نسخه ای از آن توسط فرزند گرامی امام به رییس مجلس خبرگان تحویل شد و نسخه دیگر نیز در اختیار حضرات آقایان: محمدرضا مهدوی کنی، مهدی کروبی، محمدرضا توسلی، حسن صانعی قرار گرفت تا به موزه آستان قدس رضوی تحویل شود و در همین جلسه نسخه سابق وصیت نامه موجود در مجلس خبرگان تحویل فرزند امام شد تا به ایشان عودت دهند.

در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۵ هجری شمسی یک روز پس از ارتحال امام خمینی (ره) متن وصیت نامه حسب الامر ایشان با توجه به تألمات شدید روحی فرزند امام، به وسیله رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای در مجلس خبرگان برای نخستین بار مفتوح و قرائت گردید و گزارش کامل این جلسه از طریق رسانه های گروهی پخش شد و متن دست خط وصیت نامه در اختیار عموم قرار گرفت کتابی را که در پیش روی دارید متن کامل این وصیت نامه می باشد.

برای روشن شدن برخی مطالب شرعی وصیت در این درس چند اصطلاح فقهی و تعریف آنها را می آوریم که به عنوان مقدمه درس وصایا دانستن آنها ضرورت دارد.

سوالات

۱- وصیت را از نظر لغت و اصطلاح فقه تعریف کنید؟

وصیت در لغت به معنی توصیه و سفارش کردن است و در اصطلاح فقه سفارش نمودن به استیفاء حقوق و انجام کارهایی که حساب‌های شرعی را بعد از مرگ مشخص می‌نماید گفته می‌شود.

۲- اصطلاحات شرعی موصی، موصی له، موصی به و وصی به عبارت ذیل است:

- موصی: به کسی که وصیت می‌کند موصی می‌گویند.

- موصی له: به کسی که برای او وصیت می‌شود موصی له می‌گویند.

- موصی به: به چیزی که در مورد آن وصیت می‌شود موصی به می‌گویند.

- وصی: به کسی که وصیت را باید عمل نماید وصی می‌گویند.

۳- انواع وصیت را نامبرده و تعریف کنید؟

الف) وصیت شرعی: به وصیتی گفته می‌شود که در خصوص ماترک و امور شرعی سفارش شده باشد مثل: اموال و اداء قرض یا به جا آوردن نماز و روزه قضاء.

ب) وصیت اخلاقی: به وصیتی گفته می‌شود که یک سری اعمال و رفتارها و بایدها و نبایدهای اخلاقی و معنوی و غیره سفارش شده باشد مثل: وصیت‌نامه امام خمینی (ره).

۴- ضرورت وصیت اخلاقی را بیان کنید؟

الف) برای پیشرفت در امور دنیا و آخرت و استفاده از تجربه دیگران
ب) به خاطر حفظ سرمایه و بکارگیری آن در جهت سیر تکامل انسان

ج) به خاطر رعایت اخلاق و رفتار نیک در اجرای عدالت

د) برای استفاده از عمر در جهت رسیدن به اهداف مقدس ارزشی و دینی

۵- وصیت‌نامه امام خمینی (ره) در چه تاریخی نوشته شد و در چه تاریخی توسط چه کسی خوانده شد؟

این وصیت‌نامه در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ نوشته شده است و در سالهای بعد حضرت امام آن را مورد بازبینی قرار داده و با انجام تغییراتی در آن در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۶ تحویل مسئولین نظام گردید که در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ توسط آیه‌الله خامنه‌ای برای عموم مردم خوانده شده است.

درس دوم

بسم الله الرحمن الرحيم
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:
اننى تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى اهل بيتى؛
فانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض
الحمد لله و سبحانك اللهم صل على محمد و آله مظاهر
جمالك و جلالك و خزائن اسرار كتابك الذى تجلّى فيه
الاحديّة بجميع اسمائك حتى المستأثر منها الذى لا يعلمه
غيرك و اللعن على ظالمهم اصل الشجرة الخبيثة.

و بعد، اینجانب مناسب می دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب «ثقلین» تذکر دهم، نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی، که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه‌ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود از ملک تا ملکوت اعلیٰ و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم ممتنع است؛ و نه از آنچه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن از حقایق مقام و الای «ثقل اکبر» و «ثقل کبیر» که از هر چیز اکبر است جز نقل اکبر که اکبر مطلق است و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان باز بگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود؛ بلکه مناسب دیدم اشاره‌ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم. شاید جمله «لن يفترقا حتى يردا على الحوض» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - هر چه بر یکی از این دو گذشته

آله و سلم - هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند. و آیا این «حوض» مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریا است یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - گذشته، بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است و ذکر این نکته لازم است که حدیث «ثقلین» متواتر بین جمیع مسلمین است و ادرأ کتب اهل سنت از «صحاح ششگانه» تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - به طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف؛ و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند؛ و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد، برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - مسائل اسفانگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - دریافت کرده بودند و ندای اتی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود، با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است از صحنه خارج کردند؛ و بر حکومت عدل الهی - که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست - خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه‌گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمساز است.

سؤالات

۱- حدیث ثقلین از کدام معصوم است و عبارت آن چیست؟

از رسول خدا ﷺ می‌باشد و عبارت است از: آنی تارک فیکم الثقلین کتاب‌الله و عترتی و اهل بیته؛ فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: بدروستی که ترک می‌کنم شما را و دو چیز ثقیل و سنگین باقی می‌گذارم کتاب خدا (قرآن کریم) و عترتم (اهل بیت من)، این دو از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض کوثر بهشت به من برسند.

۲- پیامبر اسلام ﷺ در حدیث ثقلین هدایت را مشروط بر چه چیزی می‌دانند؟

الف) پیروی از کتاب خدا - قرآن کریم

ب) پیروی از اهل بیت یعنی معصومین و ائمه اطهار علیهم‌السلام

۳- چرا هدایت مسلمین به پیروی از قرآن و اهل بیت بستگی دارد؟

چون فقط اهل بیت رسول خدا ﷺ هستند که مفهوم و مراد حقیقی قرآن کریم را می‌دانند.

۴- از دیدگاه عرفاء صفات خداوند به چند دسته تقسیم می‌شود؟

دو دسته:

الف) صفات جمالیه صفات لطفه مثل: رحمان و رحیم

ب) صفات جلالیه یا قهریه یا عدلیه مثل: جبار و قادر

۵- عرفاء عالم را به چند دسته تقسیم کرده‌اند نامبرده و تعریف کنید؟

چهار دسته: الف) عالم ناسوت: به عالم ماده و محسوسات این جهان عالم ناسوت می‌گویند. ب) عالم ملکوت: به عالمی گفته می‌شود که از زمان و مکان و حرکت مجرد است مثل عالم فرشتگان. ج) عالم جبروت: به عالم عقل که از نظر بعد و مقدار نیز مجرد است عالم جبروت می‌گویند. د) عالم لاهوت: به عالم ذات احدیت خداوند که بر همه چیز احاطه دارد عالم لاهوت می‌گویند.

۶- منظور از اسم مستأثر یا اسم اعظم خداوند چیست؟

امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمودند: اسم اعظم خداوند هفتاد و سه حرف است که هفتاد و دو حرف آن را ما معصومین علیهم‌السلام می‌دانیم یک حرف که مختص به علم قیامت و ظهور حضرت حجة (عج) است در نزد خداوند است.

باز می‌فرمایند: آصف بن برخیا از یاران سلیمان علیه‌السلام که در یک چشم بهم زدند تخت بلقیس را از سرزمین سبا به نزد سلیمان علیه‌السلام حاضر کرد یک حرف از اسم اعظم را بلد بود وقتی آن را خواند زمین بین او و سبا جمع شد و او تخت را در دست گرفت و مجدداً زمین به حالت اول درآمد. برای اطلاع بیشتر به کتاب اصول کافی بابت حجة علم ائمه علیهم‌السلام مراجعه کنید.

۷- منظور از نقل اکبر و نقل کبیر چیست؟

نقل اکبر قرآن کریم است و نقل کبیر اهل بیت رسول خدا ﷺ هستند

۸- امام خمینی (ره) جمله «لن یفترقا...» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس

ایشان می‌فرمایند: شاید جمله «لن یفترقا...» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است، تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند.

۹. مراد از حدیث متواتر چیست؟

در علم حدیث حدیثی را متواتر می‌گویند که راویان بسیاری آن را در همه زمان‌ها نقل کرده باشند به گونه‌ای شایع شده باشد که احتمال دروغ در آن نباشد مثل همین حدیث نقلین.

۱۰. کتب اربعه شیعه را نام ببرید؟

این کتابها را کتب منابع روایات و حدیث می‌نامند که عبارتند از:

الف) کتاب «اصول کافی» نوشته مرحوم کلینی (ره).

ب) کتاب «من لایحضره الفقیه» نوشته مرحوم شیخ صدوق (ره).

ج) کتاب «التهذیب» نوشته مرحوم شیخ طوسی (ره).

د) کتاب «استبصار» نوشته مرحوم شیخ طوسی (ره).

۱۱. کتب منبع ششگانه اهل سنت را نام ببرید.

۱ - کتاب صحیح بخاری

۲ - کتب صحیح مسلم

۳ - کتاب سنن ابن ماجه

۴ - کتاب سنن ابن داوود

۵ - کتاب سنن ترمذی

۶ - کتاب مسند احمد بن حنبل

۱۲. از دیدگاه امام خمینی (ره) بزرگترین دستور مادی و معنوی زندگی چیست؟

قرآن کریم

درس سوم

و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری، از مقام شامخ احدیت به کشف نام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند برساند و این ولیده «علم الاسماء» را از شرّ شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاءالله معصومین - علیهم صلوات الاولین و الاخرین - بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند - چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومتهای جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع‌الأسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار - صلی الله علیه و آله و سلم - و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می‌گفت، گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمه «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست. و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیله حکومتهای منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی

بر قدرت قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حیلۀ شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضاخان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بی‌خبر از مقاصد اسلامی هم مناجح او بودند و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و مجال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می‌کند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند؛ و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌ها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشانند، نجات دهد. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی‌طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم‌الآف‌التحیات والسلام - که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی - علیهم‌السلام

- و «صحیفه سجادیه». این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که «مقرالعلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و ائمه معصومین - علیهم‌السلام - مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرده، از ما است.

و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی‌پایان است. یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین - علیهم‌السلام - و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما - صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم - در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پانشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.

ما مفتخریم که بانسوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند، و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان

بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه - علیها سلام الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه‌های تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند، بالاتر از جنت‌هاست، چه رسد به متاع ناچیز دنیا. و ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مصلحت پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند. و در رأس آنان امریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم بیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مصلحت خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند؛ و خیال بلهائے «اسرائیل بزرگ»! آنان را به هر جنایتی می‌کشاند، و ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت پیشه دوره‌گرد، و حسن و حسنی مبارک هم آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به امریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت‌های خود روی گردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام علفی است که دوست و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد و ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغات جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند.

کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگ‌های جنگی‌اش و آن همه دولتهای سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروت‌های بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران

و کشور حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمدینه الفداء - آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شنود! و این نیست جز به مدد‌های غیبی حضرت باری تعالی - جَلَّتْ عَظْمَتُهُ - که ملت‌ها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نموده.

من اکنون به ملت‌های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پای بند بوده و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرت‌ها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند و بدانند که هر چه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشلتم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد. «إِنَّهُ وَلى النَّعْمِ وَ بَدِيعَ مَلَكُوتِ كُلِّ شَيْءٍ» و با کمال جِدِّ و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌هاست، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی، مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است. و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند، که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچگاه غفلت نکنند.

و بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم السلام - برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت‌ها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از پیاد بنی‌امیه - لعنة الله علیهم - با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است. و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی - لعنة الله و ملائکته و رسله علیهم - است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است، این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر - علیهم صلوات الله و سلم - است.

و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد.

از خداوند - عز و جل - عاجزانه خواهانم که لحظه‌ای ما و ملت ما را به خود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود به این فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه‌ای دریغ نفرماید.

روح الله الموسوی الخمينی

سوالات

۱- چه کسی و در چه سالی آئین وهابیت را بوجود آورد؟

یکی از روحانیون سنی بنام محمد بن عبدالوهاب توسط جاسوس انگلیس مستر همفر منحرف شده و در سال ۱۱۴۳ هجری آئین وهابیت را رسماً اعلام کردند که اکنون در کشور عربستان جزو مذهب رسمی است و در بسیاری از کشورهای اسلامی طرفدارانی پیدا کرده است. آئینی است که نزدیک به تفکر سنی‌ها هستند و مذهب شیعه را خارج از دین می‌دانند.

۲- امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه‌شان چه چیزهایی را جزو افتخارات برشمرده‌اند؟

الف) پیرو اسلام بودن.

ب) پیرو مذهب جعفری بودن.

ج) نهج‌البلاغه از امام معصوم ماست.

د) ائمه معصومین علیهم‌السلام ائمه ما هستند.

ه) مناجات شعبانیه، دعای عرفات، صحیفه قاطمیه از افتخارات ماست.

و) بانوان ما در راه تعالی و اسلام فعالیت می‌کنند.

ز) امریکا در مقابل ملت غیور ایران وامانده شده است.

۳- امام خمینی (ره) در مورد حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام چه تعبیری آورده‌اند؟

ایشان می‌فرمایند: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است.

۴- در مورد نهج البلاغه چه می‌دانید؟ و نظر امام خمینی (ره) در این باره چه بود؟

کتاب شریف نهج البلاغه بعد از قرآن کریم مهم‌ترین کتاب در اسلام است که مرحوم سید رضی (ره) سخنان امام علی (علیه السلام) را در آن جمع‌آوری کرده‌اند و به سه بخش، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها تقسیم می‌شود. امام خمینی (ره) می‌فرماید: نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است از امام معصوم ما است.

۵- صحیفه سجادیه از کدام معصوم و امام خمینی (ره) در مورد آن چه تعبیری دارند؟

از امام چهارم (علیه السلام) می‌باشد که موضوعاتی مجموعاً به صورت دعا در آن بیان شده است و امام خمینی (ره) از صحیفه سجادیه بعنوان زیور آل محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - تعبیر کرده‌اند.

۶- صحیفه فاطمیه چگونه کتابی است؟

بعد از رحلت رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - جبرئیل یا فرشته‌ای بر حضرت فاطمه (س) برای تسلی خاطرشان می‌آمدند و مطالبی را می‌گفتند که توسط امام علی (علیه السلام) نوشته شد و بنام صحیفه فاطمیه نام گرفت که در اختیار معصومین است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: صحیفه فاطمیه در خصوص علم تفسیر قرآن است که به اندازه سه برابر قرآن است و حتی یک کلمه از قرآن در آن تکرار نشده است و در نزد ماست.

۷- نظر امام خمینی (ره) در مورد آموزش لائیه را بنویسید؟

ایشان می‌فرمایند: آموزش نظامی... برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است.

۸- در مورد صهیونیست جهانی توضیح دهید؟

تفکر صهیونیست مربوط به سرمایه‌داران افراطی یهودی است که در سال ۱۸۹۷ میلادی در اروپا بوجود آمد و مراکز آن در امریکاست که کشور فلسطین را غصب کرده و بنام اسرائیل نام گذاشته‌اند صهیون نام کوهی است در نزدیکی اورشلیم و صهیونیسم تفکری مبنی بر تبعیض نژادی یهودی است. آنها قوم یهود را قوم برتر جهان می‌دانند.

۹- نظر امام خمینی (ره) در مورد سیاست نه شرقی نه غربی را بیان کنید؟

ایشان می‌فرمایند: به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پای بند بوده.

۱۰- سفارش امام خمینی (ره) در پیروی از ائمه اطهار (علیهم السلام) را بیان کنید؟

با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار (علیهم السلام) و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان، پیروی کنند.

۱۱- نظر امام خمینی (ره) را در مورد فقه سنتی بنویسید؟

از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌هاست، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند. توضیح اینکه فقه سنتی روشی تحصیلی است که اکنون حوزه‌های علمیه به آن روش عمل می‌کنند یعنی ابتداء ادبیات عرب و فقه و اصول مقدماتی و کتب جانبی تحصیل می‌شود و سپس فقه و اصول تحقیقی و بعد درس خارج یعنی فقه و اصول تخصصی تدریس می‌گردد که امام (ره) این روش را به فقه جواهری نیز تعبیر می‌فرمایند.

۱۲ - احکام اولیه و احکام ثانویه را تعریف کنید؟

احکام اولیه: به احکامی که از طرف خداوند و رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - صادر شده است و حلال و حرام در آن احکام صراحت دارد و قابل تغییر نیستند احکام اولیه می گویند مثل وجوب نماز.

احکام ثانویه: به احکامی که در آنها زمان و مکان شرط است و براساس نیاز نظام اسلامی توسط حاکم شرع و ولی فقیه صادر می شود و تغییرپذیر هستند احکام ثانویه می گویند مثل احکام حکومتی، حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی.

۱۳ - سفارش امام خمینی (ره) در مورد نماز جمعه را بیان کنید؟

به تعبیر ایشان از نماز جمعه و جماعت که نشانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نباید کرد که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است.

درس چهارم

بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است.

اینجانب، روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم و زاد راه پر خطرمان همان دل بستگی به کرم کریم مطلق است، به عنوان یک نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقای دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هر چه بیشتر آن دارم، به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسلهای عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض می نمایم. و از خداوند بخشنده می خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

۱ - ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی یا آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنی های بی حساب قلم داران و زبان مُزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضد اسلامی و ضد ملی به صورت ملیت و آن همه شعرها و بذله گوییها، و آن همه مراکز عیاشی و فحشا و

قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خانثانه، که به دست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمندان بر ملت تحمیل می‌شد، و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می‌شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غرب‌زده یا شرق‌زده صددرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام «ملیت» و «ملی‌گرایی» گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قراردادنشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند. و با این همه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت باین وضعیت یک پارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاریهای حیرت آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.

۲- اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل

را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایهریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم - علیه‌السلام - تا خاتم‌النبین - صلی الله علیه و آله و سلم - در راه آن کوشش و فداکاری جان فرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشت؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام - علیهم صلوات الله - با کوششهای توان‌فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند. و امروز بر ملت ایران، خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند، و دست ابرقدرتهای عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند.

اینجانب که نفسهای آخر عمر را می‌کشم، به حسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقای این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آنرا تهدید می‌کنند، برای نسل حاضر و نسلهای آینده عرض می‌کنم و توفیق و تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

سؤالات

- ۱- نظر امام خمینی (ره) در مورد نوحه خوانی و مرثیه را بیان کنید؟
لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجاج و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود.
- ۲- بنظر امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی ایران با چه چیزی پیروز شد؟
انقلاب بزرگ... با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید.
- ۳- براساس نظر امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی ایران از چه جهانی با دیگر انقلابها جداست؟
ایشان می‌فرمایند: شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است. هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام.
- ۴- نظر امام خمینی (ره) را درباره اسلام و حکومت اسلامی بیان کنید؟
مکتبی است که برخلاف مکتهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد. و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است.
- ۵- به نظر امام خمینی (ره) چه چیزی در رأس تمام واجبات است؟
حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است. که انبیای عظام در راه آن کوشش و فداکاری جان فرسا نمودند.

درس پنجم

الف) بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغهای تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می‌کنند. بی انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه و مع‌الأسف در بین آنان از سردمداران و حکومت‌های بعض کشورهای اسلامی، که جز به منافع شخص خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته تسلیم امریکا هستند، دیده می‌شود؛ و بعض از روحانی‌نماها نیز به آنان ملحقند. امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد اهمیت آن را در نظر گیرند، خشنی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار

و منافقان را مایوس نمایند

ب) از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است، نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی مودیانه و شیطنت‌آمیز به گونه‌ی طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است. چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است! و مع‌الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود. گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی‌اطلاعی می‌زنند. زیرا اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌رویه و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد، و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه، و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و نصاب و صداها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و

ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است - همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می‌گفت که اینان می‌خواهند با چهار پایان در این عصر سفر کنند - یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد، بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند، گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آنرا ترویج می‌کنند. و اما طایفه دوم که نقشه مودیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند، باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه و آله - آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب - علیه‌السلام - نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است. و پس از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - بسیارند.

اینجانب در این وصیت‌نامه با اشاره می‌گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا - علیهم‌السلام - به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری

دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطان‌ی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند، و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام - صلی الله علیه و آله - و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند، از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است، باید ملت بیدار و هوشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند.

ج) و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موذیان‌تر، شایعه‌های وسیع در سطح کشور و در شهرستانها بیشتر، بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد بیچاره مردم با آن شوق و شغف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت‌رهایی یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند! مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف‌تر شدند! زندانها پر از جوانان که امید آتیه کشور است، می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانی‌تر است! هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند به اسم اسلام! و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند! این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است! مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام‌آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند! اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده! و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا می‌شود. و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هر چند روز یک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و

بزرگ سر زبانها می‌افتد، در تاکسی‌ها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود؛ و یکی که قدری کهنه شد، یکی دیگر معروف می‌شود، و مع‌الأسف بعض روحانیون که از حيله‌های شیطان‌ی بی‌خبرند، با تماس یکی - دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است. و اساس مسئله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور می‌کنند، اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاریهای عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند - چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود اسلام است ندارند - و چشم بسته و بی‌خبر امثال این معطل‌ب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند. اینچنان توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است، و قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوت زده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپ‌لگره‌هایشان برای این دولت به ارث گذاشته‌اند، از وابستگیهای عظیم خانمان‌سوز، تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه‌های مسکرات فروشی و ایجاد بی‌بند و باری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و وضعیت جوانها و زنها و وضعیت روحانیون و متدینین و آزادی‌خواهان متعهد و بانوان عقیف ستم‌دیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندانها و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه‌داران و زمین‌خواران بزرگ و محکوران و گرانفروشان و رسیدگی به دادگستریها و دادگاههای انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای دولت و استاندارها و سایر مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و

در مانگه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده‌های شهیدا و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی در پی امریکا و وابستگان خارج و داخلش (اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و فانی شرع) و هرج و مرجیایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان ننان در دست اجرا است و دهها مسائل دیگر؛ تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل، به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید، و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه پا و ولیده‌ای است محفوف به دشمنهای خارج و داخل، رحم کنید و شما اشکال تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید، و به جای طرفداری از منافقان و ستمگران و سرمایه‌داران و محتکران بی‌انصاف از خدای بی‌خبر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید و به جای گروه‌های آشوبگر و تروریستهای مفسد و طرفداری غیرمستقیم از آنان، توجهی به ترورشدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید؟

سؤالات

- ۱- از نظر امام خمینی (ره) رمز پیروزی و بقاء انقلاب اسلامی کدامند؟
 رمز بقاء انقلاب اسلامی که همان رمز پیروزی است دو رکن اصلی دارد:
 الف) انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی.
 ب) اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.
- ۲- دشمنان اسلام با چه هدفی علیه اسلام و ایران تبلیغات می‌کنند؟
 برای ایجاد تفرقه و اختلاف و از بین بردن انگیزه الهی مردم و مایوس نمودن ملتها از اسلام.
- ۳- توطئه دشمنان دین و انقلاب به چند دسته تقسیم می‌شود؟
 به سه دسته:
 الف) احکام اسلام برای هزار و چهارصد سال پیش می‌باشند و نمی‌تواند اکنون قابل اجراء باشد!
 ب) اسلام یک دین ارتجاعی است و با نوآوری و علم و تمدن مخالف است.
 ج) دین از سیاست جداست. دین برای آخرت و حکومت و سیاست برای دنیا است.
- ۴- چند نمونه از حکومت‌های الهی انبیاء علیهم‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام را نام ببرید؟
 الف) حکومت حضرت سلیمان علیه‌السلام د) حکومت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
 ب) حکومت حضرت یوسف علیه‌السلام ه) حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام
 ج) حکومت حضرت موسی علیه‌السلام و) حکومت امام حسن مجتبی علیه‌السلام

۵- سفارش امام خمینی (ره) به نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان در مورد حکومت

چیست؟

ایشان می‌فرمایند: نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند، و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا - علیهم‌السلام - به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است.

۶- بنظر امام خمینی (ره) علت شایعه پراکنی علیه جمهوری اسلامی در چیست؟

به تعبیر ایشان: دلیل آن است که نقشه و توطئه در کار است. و کسانی که اطلاع از وضع دنیا و انقلاب‌های جهان و حوادث بعد از انقلاب ندارند چشم بسته و بی‌خبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند.

۷- امام علی (ع) در مورد شایعه پراکنی چه فرموده‌اند؟

ایشان فرموده‌اند: در جاهل بودن آدمی همین کافی است که هر چه را می‌شنود

بگوید.

۸- سفارش امام خمینی (ره) به اشکال‌تراشان را بنویسید؟

به تعبیر ایشان: قبل از آشنایی به مسائل به اشکال‌تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزند و اشکال‌تراشان به فکر بنشینند که آیا بهتر نیست به جای سرکوب به اصلاح و کمک بکشند و به جای طرفداری از منافقان و ستمگران، طرفدار مظلومان و محرومان باشند.

درس ششم

اینجانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنم که قوه مقتنه و قضاییه و اجرائیه با زحمات جان‌فرا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت دهها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکال‌تراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمل آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود. و اگر خدای نخواستہ اینان به خود نیابند، چون توده میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است، آمل انسانی - اسلامی به خواست خداوند متعال جامه عمل به طور چشمگیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال‌تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند. من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است.

و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است، و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا - علیه‌السلام - آن شد که شد و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد، اما امروز می‌بینیم که ملت

ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حمله‌ها می‌آفرینند و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شمارو به رو می‌شوند. اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - هستند و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله علیه - و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم. و اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت‌طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بی طرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروه‌ها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروه‌ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضع‌هایشان در پیشامدهای مختلف را با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان؛ نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد؛ ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند. برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید. ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظر تنان برای کسب مقام و قدرتی با قلب‌های جوان شما بازی کنم.

من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید، علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان را در یابید. و از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته‌ها و شما با رحمت و سعادت خود بگذرد. شماها نیز در خلوت‌ها از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمن است. و یک وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملت‌های مبتلا به حکومت‌های فاسد و در بند قدرتهای بزرگ می‌کنم؛ اما به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندتان به دست آوردید، همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که این تنصرتان است. **يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ اَقْدَامَكُمْ**. و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی یا جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است. فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تپی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است. و اما به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جائر خود را در صورتی که به خواست ملت‌ها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاورند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند. و اکیدا توصیه می‌کنم که به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فراندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرت‌ها تأمین شود.

سؤالات

- ۱- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد جمهوری اسلامی را بیان کنید؟
اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی کنند؛ لکن عرض می کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند.
- ۲- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد ملت ایران را بیان کنید؟
به تعبیر ایشان: ملت ایران در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و ملت کوفه و عراق در عهد علی رضی الله عنه و امام حسین رضی الله عنه می باشد.
- ۳- سفارش امام خمینی (ره) به مخالفان جمهوری اسلامی را بیان کنید؟
به نظر ایشان مخالفان بی طرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بشینند. اعمال و اخلاق آنان که می خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود را بررسی کنند و حالات آنان که بدست منافقان شهید شده اند را ارزیابی کنند ببینند کدام حق هستند و کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.
- ۴- سفارش امام خمینی (ره) به مجلس شورای اسلامی و دولت را بیان کنید؟
به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانند و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا

کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید.

۵- سفارش امام خمینی (ره) به ملت های اسلامی را بیان کنید؟

ایشان به ملت های اسلامی توصیه می کنند که: از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرند و حکومت های جائر خود را بجای خود بنشانند و به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام گوش ندهند.

۶- امام خمینی (ره) بدبختی مسلمانان را در چه چیزی می دانستند؟

وابستگی حکومت های آنها به شرق و غرب.

درس هفتم

د) از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سالهای طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهای مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن، و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد؛ و مع‌الأسف به واسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشم‌گیری گرفته شد. از یک طرف از دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها از بین غریب‌زدگان یا شرق‌زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گماشته شوند و متعبدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان، متنفر باشند، و اینان را عملاً انگلیس در آن زمان، و طرفدار سرمایه‌داران و زمینخواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند. و از طرف دیگر با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بندوباری و مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند.

نتیجه آنکه دولت‌مردان مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند؛ و

توده‌های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند، و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود، چنانچه دیدید به سر این ملت مظلوم چه آمد، و می‌رفت که چه آید. اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت - از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها - بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند؛ توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند. و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند، او را ارشاد و نصیحت نمایند؛ و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می‌توان گرفت و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و توصیه‌ها در دانشگاهها از عمق ویژه‌ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند، باید مواظب توطئه‌ها باشند.

ه) از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش، و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبیله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند و قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و

اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است. و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند. فی‌المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند. و از گهواره تا قبر به هر چه بنگریم، اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گذاری شود، مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود، مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مقتخر؛ و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده‌اند.

خیابانها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکتها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها و دیگر متاعها، هر چند در داخل تهیه شده، باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی‌مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاست‌ها و در معاشرت‌ها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطبای دانشمند خود را محکوم و مایوس کرد.

رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن منبر که کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن، و در مقابل، تعهد به این امور نشانه عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است. اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم؛ معوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً، و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً، و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و یا ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکان و به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستانهای غم‌انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند، با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرت‌تکده‌ها و دهها از این مصائب حساب شده، برای عقب نگه‌داشتن کشورهاست. من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دامها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزانتر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم.

سؤالات

- ۱- نقشه‌های استعمارگران بر علیه روحانیت را بنویسید؟
الف) به انزوا کشیدن روحانیت
ب) سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و اعدام روحانیون
ج) ایجاد دشمنی بین دانشگاهیان و روحانیون
د) ایجاد شکاف و تنفر بین مردم و روحانیون
- ۲- سفارش امام خمینی (ره) به جوانان و دانشگاهیان در اتحاد با روحانیون را بیان کنید؟
توصیه ایشان به دانشگاهیان و جوانان عزیز آن است که با روحانیون و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را هر چه بیشتر و محکم‌تر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غافل نباشند.
- ۳- سفارش امام خمینی (ره) به دانشجویان در مورد استادان منحرف را بیان کنید؟
اگر در میان استادان کسی پیدا شود که می‌خواهد انحراف ایجاد کند او را ارشاد کنند و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند.
- ۴- دیدگاه امام خمینی (ره) را درباره از خودیگانی که یکی از نقشه‌های استعمارگران بود بیان کنید؟
از جمله نقشه‌های استعمارگران که تأثیر زیادی در کشورها و ایران گذاشت بیگانه نمودن کشورها از خویش و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و ولستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند.

- ۵- بنظر امام خمینی (ره) ایجاد دل‌بستگی به تجملات غرب با چه هدلی بود؟
برای عقب نگه‌داشتن کشورها و از خود بیگانه نمودن آنان.
- ۶- از دیدگاه امام خمینی (ره) کشورهای ضعیف چگونه می‌توانند پیشرفت داشته باشند؟
الف) با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنند.
ب) خودی خود را بیابند و ناامیدی را رها سازند.
ج) به خداوند متعال توکل کنند.
د) اعتماد به نفس داشته باشند.
ر) سختی‌ها و مشکلات را تحمل کنند.

درس هشتم

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشد، در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسانهای شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب. و بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و جابیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان «میمه وحشی» نگهدارند.

و) از توطئه‌های بزرگ آنان، چنانچه اشاره شد و کرارا تذکر داده‌ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است. یا با سرکوبی و خشونت و هتاکی که در زمان رضاخان عمل شد ولی نتیجه معکوس گرفته شد، یا با تبلیغات و تهمت‌ها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضاخان عمل می‌شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود؛ و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی مؤذیان و اما در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هر چه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت‌زدگی و غرب‌زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست‌قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگه‌داشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سر و صدا هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد. پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است، بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود؛ و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پر توان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است. و اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول، و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپارید. و به همه نسل‌های مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و

کشور عزیز و اسلام آدم‌ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید، و با این عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید خدایمان پشتیبان و نگهدار باد.

ز! از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورده، و چه مصیبتها و خسارتهای جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرمات به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک اکثریت قلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواستند، با دست همین منحرفان از خدا بی‌خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه، هیچ‌گاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد قبل از رضاخان یا تصدی غرب‌زدگان و مشتی خان و زمین‌خواران و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و ولستگان و حلقه به گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشان سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلای خود مردم و با انتخاب خودشان، بدون دخالت دولت و خانهای ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود.

سوالات

۱ - سفارش امام خمینی (ره) به مسؤولین و دولتها در مورد متخصصین را بیان کنید!

بر دولتها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.

۲ - سفارش امام خمینی (ره) به جوانان را بیان کنید!

از جوانان و دختران و پسران می‌خواهند که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرتها و بی‌بندوباریها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب به آنها عرضه می‌شود نکنند آنان جز تباهی آنها و جابیدن کشورشان و وابسته کردن و عقب‌نگهداشتن آنها به چیز دیگری فکر نمی‌کنند.

۳ - توطئه و نقشه دشمن در دانشگاه علیه جوانان چیست؟

امام می‌فرمایند: نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و به سوی شرق و غرب بکشانند.

۴ - سفارش امام خمینی (ره) به مردم و دولت در مورد دانشگاهها را بیان کنید!

اکنون که دانشگاهها اصلاح شده است بر همه لازم است که با متصدیان کمک کنند و نگذارند دانشگاهها به انحراف کشیده شود و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آنها بکوشند و از غرب و شرق‌زدگی حفظ کنند.

درس نهم

وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات و کلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منصرف از صراط مستقیم - به سوی غرب یا شرق - و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی، به مجلس بفرستند و به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم، وصیت می‌کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و کلای مجلس، کنار نکشند و بی تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنجها بنیان گذاشتند، از صحنه خراج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غرب‌زدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد. اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عنری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان لبر قدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر

رخنه، و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خلیفتان یار و نگهدار باشند. و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد. و به اقلیتهای مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیر وابسته به قدرتهای جهان‌خوار و بدون گرایش به مکتبهای الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند. و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسنینت و برادری با هم مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواستہ از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آید. و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده، که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود، توجه نمایند.

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود، مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خسارتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند چه در نسل حاضر و

چه در نسلهای آتیه و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و آلا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نمودن و نموده‌ایم چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده و متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و لشکر به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌های باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدر نشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پلرهنگان رانمی‌توانند بفهمند.

و باید بنابینیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود، همین معنی در انتخاب خیرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود که اگر خیرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد به مجلس خیرگان برونند بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیت‌ها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خیرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد، که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن که در سطح بالای اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند.

سوالات

۱- شرایط نمایندگی مجلس شورای اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) را بیان کنید؟
وصیت ایشان به ملت آن است که با اراده مصمم و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات و کلاء شرکت کنند.

شرایط نمایندگی:

(الف) تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی.

(ب) از محرومین و متوسطین جامعه باشند.

(ج) از صراط مستقیم منحرف نبوده و به غرب و شرق متمایل نباشند.

(د) به مکتبهای انحرافی گرایش نداشته باشند.

(و) مطلع بر مصالح روز و سیاستهای اسلامی باشند.

۲- سفارش امام خمینی (ره) به مراجع تقلید و روحانیت را بیان کنید؟

به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع محترم تقلید وصیت می‌کنند که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس کنار نکشند و بی تفاوت نباشند همه دیدند که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنجها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند.

۳- سفارش امام خمینی (ره) به نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بیان کنید؟

از نمایندگان می‌خواهند که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند مجلس اعتبارنامه آنان را رد کند و نگذارند

حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد و از همه نمایندگان خواستارند که با کمال حسن نیت و برادری با همه مجلسیان رفتار کنند و کوشش کنند که قوانین از اسلام منحرف نباشد.

۴. سفارش امام خمینی (ره) به شورای نگهبان را بیان کنید؟

از شورای محترم نگهبان می‌خواهند که با کمال دقت و ظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضروریات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجراء شود توجه نمایند.

۵. وصیت امام خمینی (ره) به مردم در مورد حضور در انتخابات را بیان کنید؟

وصیت ایشان به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات در صحنه باشند مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد در این صورت نزد خداوند مسئول می‌باشند.

درس دهم

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرت‌ها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند؛ و گمان ننمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام والایی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که نلزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد، ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد. از خداوند منان هادی با تضرع و ابتها می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف‌تر برای رؤسای جمهور حال و آینده و دولتها و دست‌اندرکاران، به حسب درجات در مسئولیتها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

ج) از مهمات امور مسئله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی‌ترین مقام قضایی که در عهده دارند، کوشش کنند که اشخاص متمهد سابقه‌دار و صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند. و از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع آسفناک و غم‌انگیزی درآمده بود با جدیت سر و سامان دهند؛ و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان

مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند، و با پشتکار و جدیت بتدریج دادگستری را متحول نمایند؛ و قضات دارای شرایطی که، ان شاء الله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند، به جای قضاتی که شرایط مقررۀ اسلامی را ندارند نصب گردند، که ان شاء الله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند. و به قضات محترم در عصر حاضر و انصار آینده وصیت می‌کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین - صلوات الله علیهم - در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه درباره قضاوت به غیر حق وارد شده است، این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود. و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز زنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند؛ و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است، اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است. و می‌دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

سوالات

- ۱- وصیت امام خمینی (ره) به رهبر و شورای رهبری را بیان کنید؟
وصیت ایشان به رهبر و شورای رهبری آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند.
- ۲- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد قوه قضائیه را بیان کنید؟
ایشان می‌فرمایند: از مهمات امور مسأله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالیترین مقام قضایی که در عهده دارند، کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه‌دار و صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند.
- ۳- سفارش امام خمینی (ره) در مورد سر و سامان دادن به دستگاه قضایی را بیان کنید؟
امر قضاوت را با جدیت سر و سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و عدالت را در نظر ندارند را از این کرسی با اهمیت کوتاه کنند و به تدریج دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایط را نصب نمایند.
- ۴- سفارش امام خمینی (ره) به قضات را بیان کنید؟
به قضات محترم وصیت می‌کنند که با در نظر گرفتن احادیثی که در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود.

درس یازدهم

ط) وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کرارا عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند؛ و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بد نام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در دراز مدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جازدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملی‌گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی‌نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسان‌ترند ذخیره دارند که گاهی سی - چهل سال با مشی اسلامی و مقدس‌مآبی یا «پان ایرانیسم» و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی خلق» و «توده‌ای»‌ها و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند. و از همه لازم‌تر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیة آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار است با تأیید مراجع وقت و

شاید تز «فظم در بی نظمی» است از القائات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد. در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است. که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند. و لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقاقت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریق مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد. و البته در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود. و از بالاترین و ولاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد؛ علوم معنوی اسلامی است از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم - که جهاد اکبر می‌بایند

ی) از اموری که اصلاح و تصفیة و مراقبت از آن لازم است قوه اجراییه است. گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست مجریان غیر صالح که فتاد، آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازیه‌ها یا پیچ و خمها که به آن عادت کرده‌اند یا عمداً برای نگران نمودن مردم عمل کنند، که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد می‌کند.

وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما

به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستم‌کار به جای شما ستم‌پیشگان پست‌ها را اشغال می‌نمایند. بنابراین حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید. و در همین انگیزه به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکم‌فرما باشد و باید دانست که گرچه تمام وزیران و زارخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند؛ مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارند.

اینجانب از ابتدای پیروزی به وزرای خارجه راجع به طاقوت‌زدگی سفارتخانه‌ها و تحول آنها به سفارتخانه‌های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه‌هایی نمودم، لکن بعضی آنان یا نخوستانند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد اگر چه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد.

و وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی، حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهراً فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.

و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند، خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده، و اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند، به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود. و وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون در این زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمت‌ها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها به این جمهوری اسلامی نوپانزده و نمی‌زنند، مع‌الأسف اکثر دولت‌های منطقه اسلامی که به حکم اسلام باید دست اخوت به ما دهند، به عداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهان‌خواران از هر طرف به ما هجوم آورده‌اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد و با کمال تأسف، نویسندگان به اصطلاح روشنفکر که به سوی یکی از دو قطب گرایش دارند، به جای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند، خودخواهی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها و انحصارجویی‌ها به آنان مجال نمی‌دهد که لحظه‌ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانه‌ارزنده را توأم

با بعضی آنچه را که از دست داده‌اند، که رفاه و عیش‌زدگی است، با آنچه از رژیم ستم‌شاهی دریافت می‌کردند توأم با وابستگی و نوکرمآبی و تناجوبی و مداحی از جرثومه‌های فساد و معادن ظلم و فحشا بسنجند و از تهمت‌ها و نارواها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و با ملت و دولت در صف واحد بر ضد طاغوتیان و ستم‌پیشگان زبانها و قلمها را به کار بگیرند و مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست، بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده، از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی‌های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهان گیر خواهد شد و پرچم بر افتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت‌بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری‌اندا

ک) از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا نا دانشگاهها است که به واسطه اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده و با اشاره می‌گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است، قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج دیده در جیب قدرتیهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن، اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر

روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان بر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند.

اگر مجلس و دولت و قوه قضاییه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه می‌گرفت، ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه‌برانداز نبود و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کنند، از دانشگاهها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها و بساط ظلم و ستم‌شاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرت‌تکده‌ها که هر یک برای تباہ نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود و دانشگاهها اگر اسلامی - انسانی - ملی بود می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد؛ لکن چه غم‌انگیز و اسفناک است که دانشگاهها و دبیرستانها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غرب‌زدگان و شرق‌زدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به لرفرت‌تبا بزرگ شده و به کرسیهای قانون‌گذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اضلاع، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

سؤالات

- ۱- سفارش امام خمینی (ره) به حوزه‌های علمیه را بیان کنید؟
 وصیت ایشان به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که از نفوذ افراد منحرف جلوگیری نمایند.
 الف) و باید به حوزه‌ها نظم و نظام دهند.
 ب) علما و مدرسین حوزه‌ها را از آسیب حفظ کردند.
 ج) باید هر روز بر دقتها و تحقیقها افزوده شود.
 د) در رشته‌های دیگر علوم که احتیاج کشور و اسلام است برنامه تهیه شود.
 هـ) فقه سنتی حفظ شود.
 و) از علوم معنوی اسلامی و علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک غفلت نکنند.
- ۲- سفارش امام خمینی (ره) به وزراء را بیان کنید؟
 وصیت اینجانب به وزراء مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام، و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می‌شود.
- ۳- سفارش امام خمینی (ره) به وزیر کشور در مورد استانداران را بیان کنید؟
 می‌فرمایند: به وزراء کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکمفرما باشد.

۴- سفارش امام خمینی (ره) به وزرای خارجه را بیان کنید؟

به وزرای خارجه توصیه می‌نمایند در سیاست خارجی فقط حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در کشورهای اسلامی را ندارند کوشش کنند و از هر امری که وابستگی آورد احتراز نمایند و در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی کوشش داشته باشند.

۵- سفارش امام خمینی (ره) به وزارت ارشاد را بیان کنید؟

برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند و مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان است.

درس دوازدهم

ل) قوای مسلح از ارتش و سپاه و زاندار مری و شهرستانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر و بزرگی خاص دارند اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و نگهبان سرحدات و راه‌ها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهبانان امنیت و آرامش یخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند، و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره‌برداری برای قدرتهای بزرگ و سیاستهای مخرب، بیشتر از هر چیز و هر گروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی، کودتاها و تغییر حکومتها و رژیمها به دست آنان واقع می‌شود؛ و سودجویان دغل بعضی سران آنان را می‌خرند و با دست آنان و توطئه‌های فرماندهان بازی خورده کشورها را به دست می‌گیرند و ملت‌های مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب می‌کنند. و اگر فرماندهان با کدمن متصدی امر باشند هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی‌آید و یا اگر احیاناً پیش آید، به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند. و در ایران نیز که این معجزه عمر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و مبین دوست سهم‌برسانی داشتند و امروز که جنگ لعنتی و تحمیلی صدام تکریتی به امر و کمک امریکا و سایر قدرتها پس از نزدیک به دو سال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبان قدرتمند و وابستگان به آنان روبه‌رو است، باز قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بی‌دریغ ملت در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها این افتخار بزرگ را آفریدند و ایران را سرفراز نمودند؛ و نیز شرارتها و توطئه‌های داخلی را که به دست عروسک‌های وابسته به غرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند، با دست توانای جوانان کمیته‌ها و پاسداران بسیج و شهرستانی و با کمک ملت غیرتمند در هم شکسته شد و

همین جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانواده‌ها با آرامش استراحت کنند خدایشان ببار و مندکار باد.

پس وصیت برادرانه من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم، آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاالله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفهای غرب و شرق زده و دستهای مرموز جنایتکاران پشت پرده لبه نیز سلاح خیانت و جنایتکارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است؛ و می‌خواهند از شما عزیزان که با جان فشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را برانندازند و شما را با اسم اسلام و خدمت به مبین و ملت از اسلام و ملت جدا کرده، به دامن یکی از دو قطب جهان‌خوار بیندازند؛ و بر زحمات و فداکاریهای شما با حیل‌های سیاسی و ظاهرهای به صورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند.

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همانطور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه‌ها است، به آن عمل نمایند؛ و قوای مسلح مطلقاً چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگهدارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است، دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد، بر خلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که - بی‌اشکال به تباهی کشیده می‌شوند - و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند از قدم اول با آن مخالفت کنند و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی، وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادی خواهی

لست و خداوند متعال همه را بانور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می کند، چنانچه امروز وفاداری در وفاداری استقامت کنید که شمارا و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگیها و پیوستگی های قدرتهایی که همه شمارا جز برای بردگی خویش نمی خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم پذیری ننگه می دارند، نجات می دهد و زندگی نسلی شرافتمندانه را اولو با مشکلات برزندگانی ننگین بردگی اجانب ولو بار فاه حیوانی ترجیح دهید؛ و بناید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می دینند و از راه انداختن کارخانه ها آنان را مأیوس می نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه ها را خود رفع نمودند. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خود کفا شود و از دریوزگی از دشمن نجات یابد.

و هم در اینجا بیفزایم که احتیاج ما پس از این همه عقب ماندگی مصنوعی به صنعتیهای بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکارناپذیر، و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به یکی از دو قطب وابسته شویم دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند و از فرستادن به امریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند، مگر آن شاءالله روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انسان دوستی و احترام به حقوق دیگران واقع شوند؛ یا آن شاءالله مستضعفان جهان و ملت های بیدار و مسلمانیان متعهد، آنان را به جای خود نشانند. به امید چنین روزی.

۴) رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخریب ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر بویژه نیمه دوم آن، چه نقشه های بزرگی از

این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار، و چه در تبلیغ استعمار گران غرب و شرق، کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قملش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود، و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیر ممکن، و برای همردیفان نیز مشکل می نمود. فیلم های تلویزیون از فرآورده های غرب یا شرق بود که طبقه جوان، زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پرارزشی که بسیاری از آن با دست خیاختکار سودجویان، به کتابخانه ها و موزه های غرب و شرق منتقل گردیده است.

مجله ها با مقاله ها و عکسهای افتضاح بار و افسانگیز، و روزنامه ها با مسابقات در مقالات

ضد فرهنگی خویش و ضد اسلامی با افتخار، مردم بویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازی ها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد می شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسکها و اسباب بازیها و کالاهای تجملی وارد می شد و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی اطلاع هستیم و اگر خدای نخواستہ عمر رژیم سرسپرده و خاتمان برانداز پهلوی ادامه بینا می کرد چیزی نمی گذشت که جوانان برومند ما - این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنهاست - با انواع دسیسه ها و نقشه های شیطانی به دست رژیم فاسد و رسانه های گروهی و روشنفکران غرب و شرق گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمی بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه می کردند؛ و یا به خدمت قدرتهای جهانخوار درآمدند و کشور را به تباهی می کشانند. خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شر مفسدین و غارتگران نجات

داد. اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان، آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند. و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند و مردم و جوانان حزب‌اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

(ن نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید، به شماها که خود را عالم و عاقل می‌دانید باید آموخته باشند که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازیهای بی‌سر و پا و غیر حساب شده منحرف کرد، و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با این شیوه‌های غیرانسانی و غیرمنطقی ساقط نمود. بویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جانفشانی و فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید (و اگر ندانید بسیار ساده‌لوحانه فکر می‌کنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است، و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جناباتی که با تحریک شما رخ داد، آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید. من وصیت خیر خواهانه در این آخر عمر به شما می‌کنم

که اولاً این ملت طاغوت زده رنج کشیده که پس از ۲۵۰۰ سال ستمشاهی با فنادادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده، به جنگ و ستیز برخاسته‌اید. چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد راضی می‌شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکند؟ من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیرعقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدیک به میهن خود و دامن اسلام بر گردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان شاء الله می‌گذرند و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و باین عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ و الا در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است. و بعد، به هیاداران داخلی و خارجی آنان وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثبت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آنها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتادند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید و اگر در ایران هستید، به عیان مشاهده می‌کنید که توده‌های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند؛ و به عیان می‌بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند؛ و آنان که به دروغ ادعای «خلقی» بودن و «مجاهد» و «فدایی» برای خلق می‌کنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خنده‌های میجلل تیمی با زندگی اشرافی، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند.

نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه

برگردید و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می کنند، متحد شوید و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان لخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شمار افنای مفاسد شوم و قدرت طلبی خویش می نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی لقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاهای فقط برای فریب جوانان صاف دل است و می دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می رسد و شائبه قدرت طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند متان شمارا هدایت فرماید و سراط مستقیم را به شما بنماید.

و سبت من به چپ گرایان، مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروههای متماثل به چپ آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتبها و مکتب اسلام نزد کسی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند، با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چپ «ایسم» که محتوای آنها بیش اهل تحقیق بوج است، خوش کرده اید؟ و شما را چه انگیزهای وادار کرده که می خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید؛ و با ملت خود به اسم «توده دوستی» به جنگ برخاسته یا به توطئه هایی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده های ستمدیده دست زدید؟ شما می بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و احصار طلب ترین حکومتهای جهان بوده و هستند چه ملت هایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده ها خرد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیر مسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پامی زنند و از هر گونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناق های دیکتاتورهای جهان به سر می برند استالین،

که یکی از چهره های به اصطلاح «درخشان» حزب بود و ورود و خروجش را و تشریفات آن و شرفیافت او را دیدیم. اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می دهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می سپارند و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم در هر جا که دستتان رسید، چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف امل که آنان را به غلط طرفدار بر و پا قرص خود معرفی می کردید و عده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید؛ چه جنایتهای که نکردید و شما «طرفدار خلق محروم» می خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خبیثی را با سرپوش «فدایی خلق» و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید، منتها «حزب توده» و رفقای آن با توطئه و زیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.

من به شما احزاب و گروهها، چه آنان که به چپ گرایی معروف - گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست امریکایی هستند - و چه آنان که از غرب ارتزاق می کنند و الهام می گیرند و چه آنها که با اسم «خودمختاری» و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاهار از هستی ساقط نموده و مانع از خدمتهای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می شوند، مثل حزب «مموکرات» و «کومله» وصیت می کنم که به ملت بیبوندند و تاکنون تجربه کرده اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده اند و نمی توانند بکنند پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از یاغی گری و خدمت به بیگانگان و خیلت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور بپردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان، هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می دهد و وصیت من به گروههای مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان می دهند و از منافقان که اکنون خبیثتشان معلوم شد گاهی طرفداری می کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می کردند و طعن

می‌زنند آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهامت اسلامی به خطای خود اعتراف و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرّس، آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت: اکنون که باید از بین برویم، چرا با دست خود برویم من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم و باید به خود بیاوریم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند، می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایند؛ آنان را تحمیل کنند از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند تاکنون نتوانسته‌اند توده‌های مردم را سرکوب نمایند.

علاوه بر این اکنون ملت‌های محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداری‌ها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان پای بند به ارزشهای اسلامی می‌بینید که جنایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می‌دادند، امروز به طور چشم‌گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و ان شاء الله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت. و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لاقلاً در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت؛ و اگر شده بود، ایران غارت‌زده غیر از این ایران بود.

و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال تراشان و صاحب عقده‌گان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هر چه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار

برید و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرتها سوق دهید، با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید، با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسانها از آن بی‌خبرند بررسی کنید ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم‌قلم شده را در جبهه‌ها در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخستاید، و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنه دامن می‌زنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می‌کنید. آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمایی برای حفظ میهن خود نمایید؟ آیا سازوار نیست که به این ملت مظلوم محروم کمک کنید و با یاری خود حکومت اسلامی را استقرار دهید؟

ایا این مجلس و رئیس جمهور و دولت و قوه قضایی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر می‌دانید؟ آیا از یاد برداید ستمهایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم بی‌پندرومی داشت؟ آیا نمی‌دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای امریکا بود و با آن عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه می‌کردند؟ آیا اشاعه فحشا در سراسر کشور و مراکز فساد، از عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و میخانه‌ها و مغازه‌های مشروب‌فروشی و سینماها و دیگر مراکز که هر یک برای تباہ کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود، از خاطر تان محوشده؟ آیا رسانه‌های گروهی و مجلات سراسر فسادانگیز و روزنامه‌های آن رژیم را به دست فراموشی سپرداید؟

و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست، برای آنکه در چند دادگاه یا چند جوان که شاید اکثر گروه‌های منحرف نفوذ کرده و برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای احرافی انجام می‌دهند، و کشتن عده‌ای که مفسد فی‌الارض هستند و قیام بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی می‌کنند، شمارا به فریاد درآورده، و با کسائی که با صراحت اسلام را محکوم

می‌کنند و بر ضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان که آسفاک‌تر از قیام مسلحانه است، نمودمانند پیوند می‌کنید و دست برانداری می‌دهید؛ و آنان را که خداوند مهدورالدم فرموده نور چشم می‌خوانید، و در کنار بازیگرانی که فاجعه چهارده اسفند را برپا کردند و جوانان بی‌گناه را با ضرب و شتم کوبیدند، نشسته و تماشاگر معرکه می‌شوید، یک عمل اسلامی و اخلاقی است؛ و عمل دولت و قوه قضاییه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش می‌رسانند، شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت می‌زنید؟ من برای شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقه‌مند به بعضی از شما هستم، متأسف هستم نه برای آنان که اثراری بودند در لباس خیرخواهی و گرگه‌ایی در پوشش چوپان و بازیگرانی بودند که همه را به باد بازی و مسخره گرفته و در صند تباه کردن کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چیلوگر بودند. آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علمای مریی جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند، خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخنول نمودند و راه بازگشت ندارند که شیطان نفس‌آواره بر آنان حکومت می‌کند لکن شما برادران مؤمن با دولت و مجلس که کوشش دارد خدمت به محرومین و مظلومین و برادران سر و پا برهنه و از همه مواهب زندگی محروم نماید، چرا کمک نمی‌کنید و شکایت دارید؟ آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانیها که لازمه هر انقلاب است، و جنگ تحمیلی با آن همه خسارت و میلیونها آواره خارجی و داخلی و کارشکنیهای بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده‌اید؟ آیا نمی‌دانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریباً به شهرها آن هم به محلات مرفه، و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره‌ناجیز داشته یا نداشتند؛ و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت می‌کنند؟ شما مؤمنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواه ناخواه خواهید رفت، با نشان خدمتگزاری به بندگان او بروید.*

* چنانچه در نسخه خطی مشهود است امام خمینی (ره) در این قسمت مرقوم فرموده‌اند:

سوالات

۱- سفارش امام خمینی (ره) به نیروهای مسلح را بیان کنید؟

به نظر ایشان: قوای مسلح ویژگی خاصی دارند اینان بازوی جمهوری اسلامی می‌باشند. بیدار و هوشیار که بازیگران سیاسی غرب و شرق زده از آنها بهره‌برداری نکنند و در احزاب و گروهها دخالت نظامی نکنند و خود را از بازیهای سیاسی دور نگهدارند و قدرت نظامی خود را حفظ کنند.

۲- وصیت امام خمینی (ره) به قوای سه‌گانه و شورای نگهبان درباره مطبوعات و مجله را بیان کنید؟

ایشان می‌فرماید: وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند، و باید هم بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است، و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است، و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است.

* این مقدار بریده شده را خودم انجام دادم.*

درس سیزدهم

بی یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت‌ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند. گرچه بعضی کج فهمان بی‌اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند (و باز هم دست برنداشته‌اند) که اسلام طرفدار بی‌مرز و حد سرمایه‌داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده‌اند، چهره نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند، و آن را رژیمی چون رژیم سرمایه‌داری غرب مثل رژیم امریکا و انگلستان و دیگر چپاؤلگران غرب به حساب آورند، و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندان و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعی با اسلام به معارضه برخاسته‌اند. و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس‌بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در بر داشته، بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر بحق به آن عمل شود، چرخهای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است، تحقق می‌یابد. در اینجا نیز یک دسته با کج

فهمیها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعضی آیات یا جملات نهج‌البلاغه، اسلام را موافق با مکتبهای اجزایی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج‌البلاغه ننموده و سر خود، به فهم قاصر خود، بپاخاسته و «مذهب اشتراکی» را تعقیب می‌کنند و از کفر و دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده گرفته و یک حزب اقلیت با توده‌های انسانی مثل حیوانات عمل می‌کنند، حمایت می‌کنند. وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای نطب ظالم چپاؤلگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید، و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید، و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند، و به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروتهای عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها بربخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است. و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند، و چه نیکو است که طبقات تمکن‌دار به طور داوطلب برای زاغه و چپر نشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمانها باشد.

ع) وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت

برای این مقصد می‌کنند. کمکهای کلان می‌نمایند. آن است که شماها طرفی از این غلط کاری‌ها تاکنون نسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید - و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید - تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم همصدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید. و اما به آن دسته که از روی بعضی اشتباهات یا بعضی خطاها، چه عمدی و چه غیر عمدی، که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است، با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق، و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرجها و غلط روی‌ها و فرصت‌طلبیها غیر قابل اجتناب است و شما اگر توجه نمایید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید - از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل، و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی، و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده‌های کلان غیر مشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده، و کمبود چشمگیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمرشکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی، و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر، که تا انسان وارد گود نباشد از آنها بی‌خبر است و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه‌دار هنگفت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گرانیفروشی به حد سرسام آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا

حد هلاکت در فشار قرار داه و جامعه را به فساد می‌کشند، نزد شما آقایان به شکایت و فریب‌کاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن به عنوان «مبهم» مبلغی می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند و شما را عصبانی کرده و به مخالفت برمی‌انگیزانند، که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع، خون مردم را می‌مکند و اقتصاد کشور را به شکست می‌کشند. اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه می‌کنم که آقایان محترم تحت تأثیر این گونه شایعه‌سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیةالله - روحی فداه - یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد. بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد و محرومان جهان، که به اسلام و حکومت اسلامی روی آورده و دل باخته‌اند، مأیوس می‌شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد، و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد. و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد.

و آن روزی که ان شاءالله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوششها و فداکاریها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند. و اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامیهای منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود. فان الله و انا الیه راجعون.

ف) وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان با قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لاقول در این صد

سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است، مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپر نشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عباس به کار گرفته‌اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت‌ها هر چه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیل‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاموی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سر سپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند، از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهایی آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

ص) یک مرتبه دیگر در خانمه این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان، حجم تحمل زحمتها و رنجها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است. آنچه که شما ملت

شریف و مجاهد برای آن بپاخاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و پس از این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است، و آن در مکتب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام انبیای عظام - علیهم سلام الله - و اولیای معظم - سلام الله علیهم - برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد، آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده، و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود، برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر و عنل حاصل نشود. شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است. بیاید آن را یا نیابید، شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیا - علیهم سلام الله - و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می‌کشند و مرگ سرخ را «حلی من العسل» می‌دانند؛ و جوانان شما در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند و در سادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید بحق بگویم: یا لبنا کنا معکم فننوز فوزا عظیما گوارا باد بر آنان آن نسیم دل‌آرا و آن جلوه شورانگیز و باید بدانیم که طرفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه‌های توان‌فرسا و در کارگاهها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع، و در ملت به طور اکثریت در بازارها و خیابانها و روستاها و همه کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خودکفایی کشور به خدمتی اشتغال دارند، جلوه‌گر است. و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است، کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است. و بحمدالله تعالی حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و جوانان عزیز مرکز علم و تربیت

از این نَفَخه الهی غیبی برخوردارند و این مراکز درست در اختیار آنان است و به امید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه
و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال یا همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معنی لسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد. با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد. و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهیها و قصور و تقصیرها بپذیرند. و با قدرت و تصمیم اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سدا همین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزاران بالا و والاتر در خدمتند، و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است. والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین و رحمه الله و بركاته.

۲۶ بهمن ۱/۱۳۶۱ جمادی الاولی ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی

سوالات

۱- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد اقتصاد و سرمایه داری اسلامی را بیان کنید!

به تعبیر حضرت امام (ره) اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه که مخالف عدالت است موافق است و نه با سرمایه داری اشتراکی، کمونیستی اعلام می کند، موافق می باشد بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود می باشد که اگر بحق به آن عمل شود چرخهای اقتصاد سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی تحقق می یابد.

۲- وصیت امام خمینی (ره) به همه مردم را بیان کنید!

امام می فرمایند وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، یا همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است. اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معنی لسانی به اعقاب ملت منتقل شود.

۳- امام خمینی (ره) رحلت خود را چگونه توصیف نموده اند؟

ایشان فرمودند: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.

۴- نظر امام خمینی (ره) در مورد شخصیت افراد را بیان کنید.

ایشان می فرمایند: میزان در هر کس حال فعلی او است.

بسمه تعالی

این وصیتنامه را پس از مرگ من، احمد خمینی برای مردم بخواند. و در صورت عذر، رئیس محترم جمهور یا رئیس محترم شورای اسلامی یا رئیس محترم دیوان عالی کشور، این زحمت را بپذیرند. و در صورت عذر، یکی از فقهای محترم نگهبان این زحمت را قبول نماید.

روح الله الموسوی الخمينی

بسمه تعالی

در زیر این وصیتنامه ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه، چند مطلب را تذکر می‌دهم:
 ۱- اکنون که من حاضرم، بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

۲- اشخاصی در حال حیات من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های اینجانب را می‌نوشته‌اند. این مطلب را شدیداً تکذیب می‌کنم. تاکنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خودم تهیه کسی نکرده است.

۳- از قرار مذکور بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده، این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم، زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بوده؛ آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

۴- من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام‌نمایی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نمودم، که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایانند، و نباید از آن مسائل سوءاستفاده شود. و میزان در هر کس حال فعلی او است.

روح الله الموسوی الخمينی